

مفهوم سازی از ایده شهروندی (مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران)

غلامرضا عظیمی*

عالیه شایسته مجد**

چکیده

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی-سیاسی دوران معاصر محسوب می‌شود. مقاله حاضر مفهوم شهروندی را در چهار بعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعدسازی می‌کند و با استفاده از روش پیمایشی و استفاده از ابزار پرسشنامه میزان آگاهی از مفهوم برساخته شده، در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران می‌پردازد. نمونه مورد بررسی ۳۲۰ نفر است. نتایج بیانگر آن است که: در مجموع میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان در حد متوسط است و میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان دانشجویان در حد متوسط رو به بالا است. میزان رضایت از وضعیت شهروندی پایین است و نگرش به شهروندی بیشتر فعال است تا منفعل. همچنین نگاه مثبت به عام‌گرایی و مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی دارای اثری فراینده بر روی آگاهی شهروندی است.

واژگان کلیدی: شهروندی، حقوق و وظایف، نگرش به عام‌گرایی و نگرش به مشارکت.

* کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها خلق شده است. این مفهوم مانند هر مفهوم دیگر در بستر تاریخی - اجتماعی، محتوا و معنای خود را آشکار کرده است. در دوران معاصر نیز، شهروندی و مباحث مربوط به آن حجم زیادی از گفتارها و نوشتارها را به خود اختصاص داده است. بررسی رابطه حقوق بشر و شهروندی (Nash, 2009)، شکل‌گیری شهروندی جهانی فراسوی مرزها (Munck, 2003)، بوجود آمدن مفهومی انعطاف‌پذیرتر از شهروندی برای ایجاد شهروندی جهانی (Frey, 2003)، بررسی رابطه مذهب و شهروندی (Tan, 2007; Painter, 2003) و بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و شهروندی (Kisby, 2009) از آن جمله هستند. که صرف نظر از تنوع تعاریف، موضوعی واحد در آنها وجود دارد و آن هم تأکید بر حقوق و تکالیف است؛ به طوری که دو مفهوم فوق از اجزای ذاتی مفهوم شهروندی محسوب می‌شوند (Falex, 1998; Barbalet, 1381). در جامعه امروز ایران، دانشجویان یکی از فعال‌ترین گروه‌ها و جنبش‌ها در سال‌های اخیر بوده است. این در حالی است که درک از شهروندی در میان اقشار و گروه‌های جامعه متفاوت است. میزان آگاهی دانشجویان از این مفهوم یکی از راه‌های اساسی گسترش مفهوم شهروندی در سطح جامعه است. این تحقیق همزمان به بررسی میزان آگاهی دانشجویان شهر تهران از حقوق و وظایف شهروندی می‌پردازد. علاوه بر این برخی از عوامل موثر بر این آگاهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین منظور ابتدا با مروری بر ادبیات و واکاوی اجمالی نظریات، مفهومی از شهروندی ارائه می‌شود و سپس به بررسی نتایج خواهیم پرداخت.

ادبیات نظری

مفهوم شهروندی^۱ برگرفته از واژه لاتین سیویتاس^۲ است که به فرد صاحب حقوق سیاسی ساکن در دولت شهرها polis اطلاق می‌شود. دو نحله فکری بنیادین را می‌توان در ادبیات گسترده شهروندی از یکدیگر تفکیک کرد؛ یکی نحله فکری موسوم به جمهوری خواهی و دیگری نحله فکری لیبرال (میلر ۱۹۹۹، باربالت ۱۹۸۸، آبوویتز و هارنیش ۲۰۰۶ و فالکس ۱۳۸۱). در زمینه شهروندی لیبرال می‌توان به آثار لاک (۲۰۰۰)، روسو (۲۰۰۰)، راولز (۱۹۹۳)، دورکین (۱۳۸۱) اشاره کرد. در مقابل می‌توان در آثار جمهوری خواهان به کسانی چون ماکیاولی (۱۹۷۰)، دوتوکویل (۱۹۹۰)، دیوید میلر (۱۹۹۹)، گانسترن (۱۹۹۴) آدریان اولد فیلد (۱۹۹۰) اشاره نمود. کیم لیکا (۱۹۹۰) معتقد است: در نهایت لیبرالیسم بر دو فرض مقدماتی استوار است: اولی بر "زندگی خوب" مربوط است. لیبرال‌ها تأکید دارند که افراد باید قادر باشند برای خود تصمیم بگیرند و تعیین کنند که چه چیزی "زندگی خوب" است و چه چیزی چنین نیست. دومین فرض بنیانی لیبرالیسم بر این است

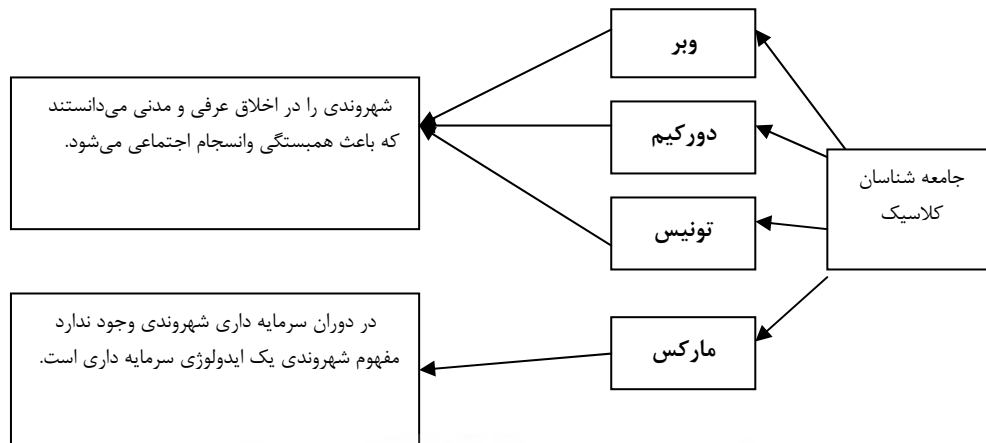
1. Citizenship

2. Civitas

که نفس و خواستن افراد از هدف‌هایی که انتخاب می‌کنند و برای تحقق آنها می‌کوشند تمایز پذیر است (پاتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۰). در مقابل اجتماع‌گرایان معتقدند: فقط تعبیرهای اندکی از مفهوم خوب وجود دارد زیرا این مفهوم از سنت‌ها و قالب‌های استقرار یافته اجتماعی و گروهی ناشی می‌شود و در نهایت ما باید از خوبی و خیر عمومی تبعیت کنیم و دیگر اینکه هدف‌ها عناصر سازنده هویت محسوب می‌شوند نه مقولاتی تصادفی و اعتباری (همان).

به طور کلی مفاهیمی که در هسته مشترک سنت لیبرالی در ارتباط با بحث شهروندی باید مدنظر قرار داد عبارتند از: حقوق فردی، آزادی، عقلانیت و فردگرایی. در حقیقت متفکران لیبرال، شهروندی را در مختار بودن فرد دانسته‌اند که از اجبار درونی و بیرونی رها بوده و بر مبنای عقلانیت فردی رفتار می‌کند. در سنت لیبرالی، شهروند بودن یعنی برخورداری از حقوق امنیت فردی، آزادی بیان و حق رای و مانند آن. اساس نظریه لیبرال، ایده توازن عادلانه حقوق و وظایف است (Miller, 1995: 6). در حالیکه اجتماع‌گرایان بر این عقیده‌اند که افراد به لحاظ اخلاقی و منطقی بر اجتماع اولویت ندارند؛ چرا که بسیاری از نام و نشان‌های خود را از اجتماع کسب می‌کنند، در این نحله فکری در حالی که اهمیت حقوق را انکار نمی‌کنند وزن بیشتری برای شهروندی فعال قایل می‌شوند. در اینجا شهروندی کمتر یک وضعیت حقوقی است بلکه نقشی است که شهروند به عنوان عضو کامل اجتماع بازی می‌کند (Oldfield, 1990: Miller, 1999: 63). پاتریک، ۱۳۸۱).

در اینجا با توجه به ماهیت نوشته حاضر، تاکید بیشتر بر روی نظریه‌های اجتماعی شهروندی است. بدون شک نظریه‌های اجتماعی نیز از دو نحله فکری پیش گفته متاثر بوده و در جهت تئوری‌های ترکیبی حرکت کرده‌اند (هاسین و باگولی، ۲۰۰۵). در این زمینه از میان جامعه‌شناسان کلاسیک می‌توان به مارکس، وبر، تونیس و دورکیم اشاره کرد. در میان معاصرین مارشال، پارسونز، برایان ترنر، آنتونی گیدنز، باربالت، یورگن هابرماس و دارندورف را می‌توان نام برد. باتوجه به حوصله مقاله حاضر به برخی از این نظریات پرداخته می‌شود. در میان کلاسیک‌ها وبر، دورکیم و تونیس شهروندی را عبارت از اخلاق عرفی و مدنی می‌دانستند که انسجام اجتماعی را در پی خواهد داشت. از این منظر شهروندی عقلانی وبری، شهروندی مدنی و عرفی دورکیمی و شهروندی عرفی و گزلفافتی تونیس معنا پیدا می‌کند. مارکس مفهوم شهروندی را ایدئولوژی به حساب می‌آورد. نگرش مارکس به نوعی مشارکت سیاسی تمام عیار غیربورژوازی در یک جامعه مدنی انقلابی است که فقط پس از فروپاشی جامعه سرمایه‌داری امکان تحقق پیدا می‌کند (توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۳: ۳۶).

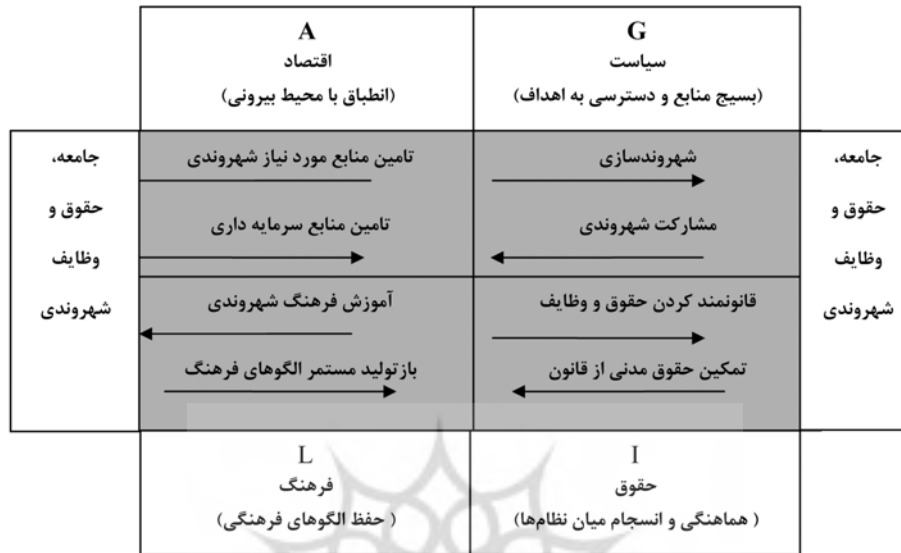


نگاه جامعه‌شناسان کلاسیک به مقوله شهروندی

شاید بتوان این گونه ادعا کرد که شکل‌گیری مفهوم جدید شهروندی در نظریه اجتماعی با کار تی.اچ. مارشال آغاز شد. برای مارشال شهروندی در روند شکل‌گیری دولت رفاه و طبقات اجتماعی در جامعه مدرن اهمیت می‌یابد. از نگاه مارشال، اولاً: شهروندی موقعیتی است که به اعضای کامل یک اجتماع داده می‌شود و ثانیاً: همه آنهایی که این موقعیت را دارا هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این موقعیت به آنها می‌دهد، برابر هستند (Barbalet, 1998: 5). این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی، به موجب قانون تثبیت و حمایت می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰). مارشال، حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند: حقوق مدنی^۱ که به حقوق فرد در قانون اطلاق می‌شود مانند آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق دادرسی و عدالت. حقوق سیاسی^۲ شامل حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی^۳ شامل حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی. به نظر مارشال، حقوق سه گانه شهروندی طی ۲۵۰ سال گذشته در غرب مراحل تحولی - تاریخی متفاوتی را پشت سر گذاشته است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۳۴۱). یکی از وجوه اصلی اثر مارشال، نظریه «وابستگی متقابل» انواع حقوق است که براساس آن، داشتن حقوق کامل مدنی و سیاسی بدون وجود استاندارد مشخصی از حقوق اجتماعی امکان پذیر نیست. اهمیت ویژه‌ای که پارسونز به شهروندی می‌داد ناشی از این واقعیت بود که او تصور می‌کرد در جوامع دموکراتیک، شهروندی به معیار اصلی همبستگی اجتماعی تبدیل می‌شود (کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۰۰). پارسونز الگوی نظری شهروندی را براساس نظام جامعه‌ای خود ارائه می‌دهد.

1. Civic-Legal rights
2. Political Rights
3. Social Rights
4. Interdependence

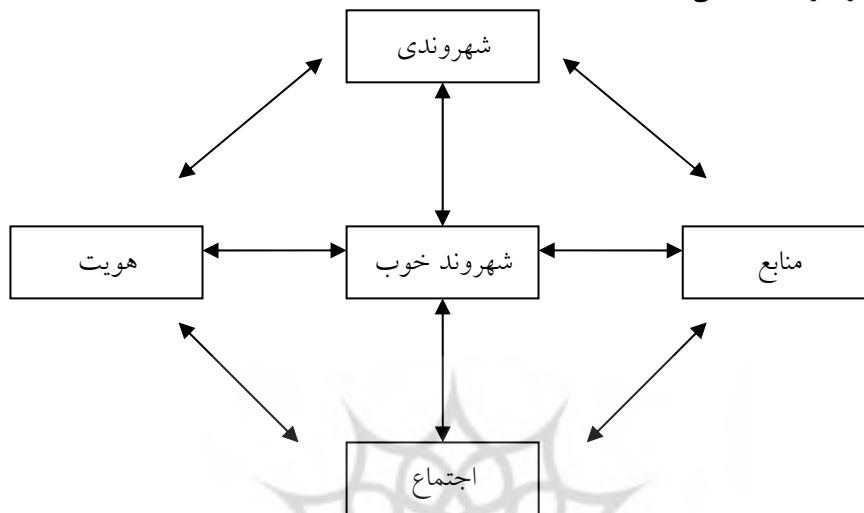
در شکل زیر چگونگی ارتباط و پیوند دوسویه میان نظام جامعه‌ای^۱ و حقوق و وظایف شهروندی آمده است.



ماخذ: نظام جامعه‌ای و شهروندی از نگاه پارسونز، نجاتی حسینی ۱۳۸۰: ۳۳

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود رابطه میان شهروندان و نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه دوسویه است. به طوری که طرفین ارتباط نسبت به هم دارای حقوق و وظایف متقابل هستند. تاکید اصلی این الگوی نظری بر نقش حقوق و وظایف شهروندی است که از مولفه‌های کلیدی در تعریف مفهوم شهروندی و نیز تکوین تاریخی شهروندی در جامعه مدرن است (نجاتی حسینی، پیشین: ۳۳). داروندورف شهروندی را پویاترین ایده در تاریخ مدرن می‌داند. وی معتقد است که امروزه نمی‌توان تصویر پویایی از شهروندی در جامعه مدرن یافت. چون ایده شهروندی با تمام مفاهیم مهم مدرنیته پیوند خورده است. وی نقش شهروند را به عنوان مجموعه‌ای از حقوق برابر اولیه و اساسی مشارکت برای اعضای کامل اجتماع تعریف می‌کند (پیران، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۲). از نگاه دارندورف سه عنصر این نقش عبارتست از: الف) مجموعه حقوق برابر برای تمام کسانی که آن را دارا هستند، بیشتر یک بیان است چون موقعیت حقوقی و شهروندی- برابری- دوجیز متفاوت هستند. ب) شهروندی به معنای فرصت مشارکت در زندگی اجتماعی، در جوامعی که برخی شهروند و برخی ناشهروند هستند، به اقلیت خاصی تعلق می‌گیرد. ج) شهروندی حقوق کلی و تعمیم یافته اعضای جامعه را که مرزهای آن تعریف شده با ملیت ترکیب کرده که در رابطه با نقش شهروند و گسترش اجتماع سیاسی فراتر از دولت، دارای اشکال است (همان).

برایان ترنر در الگوی جامعه‌شناختی از شهروندی چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، اجتماع و منابع (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) را در تعامل باهم می‌داند. از نظر ترنر این چهارمقوله با هم مدل شهروند خوب را به دست می‌دهند (Terner, 1999; 265).



الگوی جامعه‌شناسی برایان ترنر از شهروندی (Reference: Terner, 1999; 265)

به نظر ترنر منظور از منابع، منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. که هر شهروند باید از آن بهره‌مند شود که در حقیقت همان بستر لازم برای شهروندی است. از طرفی شهروندی باعث ایجاد یک نوع هویت فرهنگی خاص می‌شود و اجتماع-که به طور مشخص همان دولت- ملت است. بنابراین از نگاه ترنر شهروندی در چهارچوب اجتماع دولت - ملت می‌تواند به هویت ملی شکل دهد و هویت ملی در کنار منابع می‌تواند مفهوم شهروندی را بسازد.

بحث اصلی گیدنز مربوط به ساخت و کنش می‌شود. او معتقد است که عاملیت و ساختار دو روی یک سکه هستند که تأثیرات متقابل بر یکدیگر دارند و در واقع ساخت در ذهن و عمل کنشگر وجود دارد. شهروندی در بردارنده حقوق و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی است. ایده‌ای که هم اعتبار فرد را به رسمیت می‌شناسد و هم بر شرایطی که فرد در آن رفتار می‌کند باز می‌گردد. از این رو شهروندی یک نمونه عالی از آن چیزی است که آنتونی گیدنز آن را دوگانگی ساختار می‌نامد (گیدنز، پیشین: ۳۴۱).

از نگاه هابرماس شهروندی روابط تنگاتنگی دارد با آنچه وی عرصه عمومی می‌نامد. هابرماس عرصه عمومی را قلمرویی از حیات اجتماعی می‌داند که در آن بتوان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد. وقتی که شهروندان درباره مسایل مورد علاقه عمومی و منابع عمومی به گونه‌ای آزاد و بدون قیدوبند؛ یعنی با تضمین آزادی اجتماعات، آزادی بیان و چاپ و نشر افکارشان با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت پیکره عمومی عمل می‌کنند (هابرماس، ۱۳۸۱).

باربالت (باربالت، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰) تاکید خود را به پیروی مارشال بر روی رابطه طبقات و شهروندی قرار می‌دهد. او شهروندی را «حق مشارکت در جامعه سیاسی می‌داند». باربالت تاکید خاصی بر روی حقوق مدنی و سیاسی دارد. از طرفی دیگر باربالت توجه خود را معطوف دولت رفاه می‌کند و تاکید می‌کند که حقوق اجتماعی که توسط دولت رفاه ارائه می‌شود امکان دارد مشارکت شهروندی را پایین بیاورد (Barbalet, op. cit: 65-75). پاتریک نیز چهار نوع آرمانی شهروندی را تشخیص می‌دهد.

لیبرال‌های چپ	لیبرال‌های راست
۱	۳
۲	۴
جامعه‌گرایان چپ	جامعه‌گرایان راست

چهار نوع آرمانی شهروندی (پاتریک ۱۳۸۱: ۱۳۴)

از دید پاتریک، لیبرال‌های چپ بر مقدم شمردن حقوق و مقدم دانستن مساوات طلبانه نیازها تاکید دارند. جامعه‌گرایان چپ بر تقدم مساوات طلبانه نیازها و تقدم جامعه‌گرایانه وظایف تاکید می‌کنند. لیبرال‌های راست بر تقدم لیبرالی حقوق اصرار می‌ورزند و جامعه‌گرایان راست شهروند را عهده دار وظایفی می‌دانند که عمدتاً در غالب آن به جامعه مدیون هستند (پاتریک، پیشین: ۱۳۵).

امروزه تغییرات اساسی در مفهوم شهروندی در حال شکل‌گیری است. شهروندی جهانی (میلر، ۱۹۹۹، آنگ ۲۰۰۶)، شهروندی و مهاجرت و حقوق مهاجرین در کشورهای مختلف (میلر، ۲۰۰۴) شهروندی جنسیتی و فمینیستی (ریچاردسون، ۲۰۰۰، وارن، ۲۰۰۴) شهروندی و هویت (باگولی و حسین، ۲۰۰۵)، نظریه پست مدرن و چندگانگی فرهنگی (کیم لیکا، ۱۹۹۹) برخی از تحولات اخیر است. براساس چنین گسترده‌گی پیران از شش نوع شهروندی یاد می‌کند: شهروندی سیاسی، شهروندی اجتماعی، شهروندی جنسیتی، شهروندی قومی- فرهنگی، شهروندی اقتصادی و بالاخره شهروندی جهانی (دیلی و دیگران ۲۰۰۹، پیران، ۱۳۸۵).

در ایران تحقیقات مختلفی در مورد مفهوم شهروندی صورت گرفته است (شیانی، ۱۳۸۴، ۱۳۸۱، توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۳، لطف آبادی، ۱۳۸۵ و صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷). توسلی و نجات حسینی (۱۳۸۵) شهروندی را در ابعاد "مدنی، سیاسی و اجتماعی" مدنظر قرار می‌دهند و به شکل‌گیری و فراز و نشیب‌های این مفهوم در قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازند. شیانی (۱۳۸۱) در بررسی مفهوم شهروندی دو بعد اساسی حقوق و وظایف را برای مفهوم شهروندی در نظر می‌گیرد و برخی از عوامل موثر بر شکل‌گیری این مفهوم مانند منابع، آگاهی و میزان مشارکت اجتماعی را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

در اثری دیگر، صرافی و عبدالهی (۱۳۸۷) سعی بر بررسی نقش قانون در مدیریت شهری و شکل‌گیری شهروندی داشته‌اند. لطف‌آبادی نیز در اثر خود سعی کرده با توجه به روند جهانی شدن، نقش و جایگاه و آموزش شهروندی را در این محیط و تاثیر آن بر هویت ملی را مورد کنکاش قرار دهد.

می‌توان شهروندی را این‌گونه تعریف کرد: مجموعه‌ای از حقوق و وظایف که افراد در یک محیط اجتماعی از خود، دیگران، سازمان‌ها و حکومت انتظار دارند. به عبارتی همان‌طور که آزادی و برابری جزء پایه‌های اساسی شهروندی محسوب می‌شوند، حقوق و وظایف نیز ماهیت این مفهوم را شکل می‌دهند. در میان ادبیات شهروندی تاکید نظریه‌های لیبرال بیشتر بر حقوق شهروندی و شهروندی منفعل است. در مقابل نظریه‌های اجتماع‌گرا تاکید خاصی بر وظایف و مشارکت فعال شهروندی دارند. در نظریه‌های جدید شهروندی این دو عامل باهم مطرح می‌شوند. پاتریک انواع رابطه بین حقوق و وظایف را بیان می‌کند. در تحقیق حاضر ما به مقوله رابطه متقابل بین حقوق و وظایف می‌پردازیم (پاتریک، پیشین: ۱۳۵).

ما با استفاده از نظریه مارشال و پارسونز و با بصیرت از نظریه ترنر حقوق و وظایف شهروندی را در چهار حوزه مطرح می‌کنیم. (۱) حقوق و وظایف شهروندی در حیطه اقتصادی (۲) حقوق و وظایف شهروندی در حیطه سیاسی (۳) حقوق و وظایف شهروندی در حیطه اجتماعی (۴) حقوق و وظایف شهروندی در حیطه فرهنگی. پس شهروندی از منظر حقوق و وظایف به چهار بعد تقسیم شده است. سپس میزان آگاهی از این حقوق و وظایف سنجید می‌شود. به تبعیت از ترنر (۱۹۹۹) و الدفیلد (۱۹۹۰) به منابع و میل و انگیزه در شکل‌گیری این آگاهی نیز توجه می‌گردد. در بررسی منابع عواملی چون جنسیت، طبقه اجتماعی و در بررسی انگیزه‌ها عواملی چون نگرش به مشارکت، نگرش به عام‌گرایی و مشارکت در عرصه عمومی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر میدانی است که از روش‌های اسنادی نیز در مطالعات مقدماتی استفاده شده است. تکنیک تحقیق پیمایش یا تحقیق زمینه‌یابی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه خود اجرا است. جامعه آماری: جامعه آماری تحقیق کلیه دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مقاطع مختلف در دانشگاه‌های تهران است.

حجم نمونه: در این تحقیق علاوه بر فرمول کوکران با توجه به تمام مسایل و محدودیت‌های تحقیق، حجم نمونه تحقیق ۳۲۰ نفر در نظر گرفته شد. بر اساس فرمول ساده $n = t^2 pq / d^2$ که حجم نمونه بر اساس ۰/۵ به ۰/۵ بین دانشجویان دختر و پسر تقسیم شد.

داده‌ها از میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - تصادفی جمع‌آوری شد. سطح تحلیل در این مطالعه فرد است. دانشگاه‌های مورد بررسی عبارتند از: دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه علوم پزشکی تهران.

اندازه گیری متغیرها

برای بررسی متغیرهای حاضر ابتدا هریک از متغیرهای تحقیق بعدسازی و سپس برای هر یک از ابعاد مورد نظر گویه‌های مناسب طراحی شد.

حقوق سیاسی: حق سیاسی اختیاری است که شخص برای شرکت در قوای عمومی و سازمان‌های دولتی دارد. مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس قانونگذاری و سایر قوای عمومی جامعه. بعد حقوق سیاسی عبارت است از: آزادی بیان، عقیده، نگرش و مذهب... تشکیل گردهمایی و راهپیمایی، انتقاد مسالمت از حکومت و برخورداری از امنیت.

وظایف سیاسی: در برابر حقوق فوق وظایفی قرار دارد. میزان آگاهی از وظایف سیاسی در هفت بعد سنجیده شده است: شرکت در انتخابات، وفاداری به سرزمین، دفاع از کشور، همکاری با نهادهای دولتی، آگاهی از مسائل سیاسی، میزان تمایل به درگیر شدن در فعالیت سیاسی و خدمت نظام وظیفه.

حقوق اقتصادی: منظور از حقوق اقتصادی دسترسی افراد جامعه به حداقل استانداردهای اقتصادی برای مشارکت و برقراری روابط در جامعه است. در این بررسی برای حقوق اقتصادی دو بعد در نظر گرفته شده است: دسترسی به امکانات بهداشتی، رفاهی و اقتصادی، همچون داشتن مسکن متناسب با نیاز و دوم ایجاد شغل مناسب (حق کارکردن و انتخاب آزاد شغل).

وظایف اقتصادی نیز در دو بعد پرداخت مالیات و احترام به مالکیت دیگران بررسی شده است.

حقوق اجتماعی: منظور برخورداری و دسترسی افراد جامعه به حداقل استانداردهای اجتماعی برای مشارکت و برقراری روابط در جامعه است. برای این حقوق سه بعد در نظر گرفته شده است: برابری همه در برابر قانون، احترام به آبرو و حیثیت افراد و عام‌گرایی در توزیع منابع (عام‌گرایی جنسی، قومی و مذهبی).

وظایف اجتماعی نیز سه بعد دارد: اعتقاد به برابری در ابعاد مختلف، نگاه عام‌گرایانه به مسایل مختلف جامعه و مشارکت اجتماعی.

حقوق فرهنگی: در تعریف این حقوق در کل به سه مفهوم می‌توان دست یافت: ۱- حقوق فرهنگی به معنای برخورداری و بهره‌مندی افراد، گروه‌ها و اقشار مختلف از کالاهای فرهنگی که در قالب رسانه‌های مختلف نوشتاری، دیداری، شنیداری قابل تصور است. ۲- حقوق فرهنگی به مثابه حق تعلق به فرهنگ خاص و سهمیم شدن در شکوفایی آن که بحث خرده فرهنگ‌ها و مشارکت فرهنگی را به میان می‌کشد. ۳- حقوق فرهنگی در قالب عناوینی از قبیل حق تکثیر، حق تالیف، حق انتزاع. ابعادی که برای سنجش میزان آگاهی از این حقوق در نظر گرفته شده است، شامل: دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره‌مندی از امکانات آموزشی.

وظایف فرهنگی: در رابطه با وظایف نیز سه بعد تلاش برای عضویت در انجمن‌های علمی، تلاش برای باسواد شدن و تلاش برای عضویت در انجمن‌های مذهبی طرح‌ریزی شده است.

ویژگی‌های افراد: این متغیر به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق در نظر گرفته شده است. منظور از ویژگی‌های افراد در این بررسی، جنس، سن، رشته تحصیلی (دانشجویان)، وضعیت تاهل، مذهب و طبقه

اجتماعی (شغل سرپرست خانواده، تحصیلات والدین، درآمد خانواده و وضعیت واحد مسکونی) نمونه می‌باشد.

نگرش‌های افراد: این متغیر مستقل، در دو بعد نگرش به مشارکت (اجتماعی و سیاسی) و نگرش به عام‌گرایی بررسی شده است

عام‌گرایی یعنی اینکه کنشگر نسبت به موضوعات اجتماعی براساس ضوابط و استانداردهای عام عمل نماید تا نوعی رابطه خاص (دوستی، خویشاوندی، هم محله‌ای و...) داشته باشد. از دید چنین کنشگری به همه کنشگران سوژه‌های اجتماعی از نظرگاه‌های تعمیم یافته نگریسته می‌شود (عظیمی هاشمی ۱۳۷۳: ۶۵).
حضور در عرصه‌های عمومی: در این بررسی فرض براین بود که افرادی که در عرصه‌های اجتماعی و حوزه‌های عمومی چون انجمن‌ها و نهادهای داوطلبانه حضور و همکاری بیشتری دارند، از میزان آگاهی بیشتری نسبت به حقوق و وظایف شهروندی برخوردار هستند. حضور و فعالیت افراد در تشکل‌های زیر سنجیده شده است: انجمن علمی دانشجویی، کانون فرهنگی دانشجویی، هیات‌های مذهبی، شرکت در تصمیم‌گیری‌های محله، شرکت در راهپیمایی‌ها، بازدید از نمایشگاه‌های مختلف.

اعتبار و روایی تحقیق

اعتبار: در تحقیق حاضر از اعتبار سازه‌ای استفاده شده است در اعتبار سازه با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به بررسی اعتبار ابزار تحقیق پرداخته شد. در این مقاله با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی به بررسی این امر پرداخته شد که آیا معرف‌های یک متغیر در تحلیل عاملی قابلیت بار شدن بر روی یک عامل را دارند و یا در حقیقت قابلیت سنجش یک مساله را دارند یا خیر.

روایی: در تحقق حاضر از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین روایی شاخص‌ها بهره گرفته شد. در جدول زیر مقدار آلفای کرونباخ و ضرایب تحلیل عاملی در مورد متغیرهای اصلی آورده شده است.

ابعاد	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	ابعاد	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
حقوق سیاسی	۸	۰/۵۴	وظایف سیاسی	۹	۰/۶۷
حقوق اقتصادی	۳	۰/۷۵	وظایف اقتصادی	۳	۰/۸۱
حقوق اجتماعی	۳	۰/۴۵	وظایف اجتماعی	۷	۰/۴۷
حقوق فرهنگی	۳	۰/۴۲	وظایف فرهنگی	۳	۰/۵۱
نگرش به عام‌گرایی	۶	۰/۴۵	نگرش به مشارکت	۳	۰/۳۶

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی:

از مجموع ۳۲۰ پاسخگو، اغلب پاسخگویان دارای مذهب تشیع (۹۴٪) و مابقی اهل تسنن هستند و حدود ۹۱٪ پاسخگویان متاهل و نزدیک به ۹۳٪ در شهر متولد شده‌اند، میانگین سنی پاسخگویان ۲۲ است.

در جدول (۱-۱) میزان آگاهی دانشجویان نسبت به چهار بعد حقوق یعنی، حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سنجیده شده است. در میان مردان، میزان آگاهی از حقوق شهروندی با میانگین ۵۲/۱، در حد متوسط است. آگاهی از حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بالاست. در زمینه حقوق سیاسی این میزان آگاهی با میانگین ۴۶/۸ درصد کمترین است. میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان زنان تقریباً با مردان برابر است. در مجموع میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان با میانگین ۵۳/۶ درصد در حد متوسط است.

جدول (۱-۱) میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی

ابعاد / جنس	آگاهی از حقوق سیاسی	آگاهی از حقوق اجتماعی	آگاهی از حقوق اقتصادی	آگاهی از حقوق فرهنگی	آگاهی از حقوق شهروندی
مرد	۴۶/۸	۷۲/۸	۷۶/۹	۷۹/۴	۵۲/۱
زن	۴۵/۹	۷۵/۴	۸۱/۷	۷۸/۲	۵۴/۸
جمع	۴۶/۳	۷۴/۱	۷۹/۴	۷۸/۸	۵۳/۶

در جدول (۲-۱) میزان آگاهی دانشجویان نسبت به چهار بعد وظایف شهروندی یعنی، وظایف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سنجیده شده است. در میان مردان میزان آگاهی از وظایف شهروندی با میانگین ۶۴/۵ درصد، در حد متوسط به بالا است. آگاهی از وظایف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بالاست. در زمینه وظایف سیاسی این میزان آگاهی با میانگین ۳۸/۶ درصد پایین است. میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان زنان با اختلاف کمی از مردان کمتر است. در مجموع میزان آگاهی از وظایف شهروندی در میان دانشجویان با میانگین ۶۵/۳ درصد، در حد متوسط رو به بالا است.

جدول (۲-۱) میزان آگاهی دانشجویان از وظایف شهروندی

ابعاد / جنس	وظایف سیاسی	وظایف اجتماعی	وظایف اقتصادی	وظایف فرهنگی	آگاهی از وظایف شهروندی
مرد	۳۸/۶	۷۱/۳	۷۱/۹	۸۴/۱	۶۴/۵
زن	۴۵/۷	۷۷/۷	۷۴/۴	۸۵/۵	۶۶/۰
جمع	۴۲/۴	۷۴/۷	۷۳/۲	۸۴/۸	۶۵/۳

همچنین میزان نگرش به عام‌گرایی در میان پاسخگویان (مرد) ۶۸/۴ درصد متوسط رو به بالاست. این میزان در میان پاسخگویان زن با میانگین ۷۳/۷ درصد بیشتر است. در مورد نگرش به مشارکت میانگین پاسخگویان ۶۵/۵ درصد است. در مورد حضور در عرصه اجتماعی میزان مشارکت دانشجویان با میانگین

۳۴/۵ پایین است. میزان حضور در تشکل سیاسی در میان دانشجویان با میانگین ۲۴/۴ بسیار پایین است. میزان رضایت از وضعیت شهروندی در میان دانشجویان مرد ۳۶/۲ درصد است. این میزان رضایت در میان دانشجویان زن با میانگین ۳۳/۸ درصد کمتر است. در مورد اعتقاد به شهروندی فعال - منفعل، میانگین پاسخگویان ۶۷/۷ درصد است که حاکی از نگرش فعال به شهروندی است.

یافته‌های تحلیلی

در بررسی همبستگی‌های دو به دو در میان انواع متغیرهای مستقل با میزان آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد آن، میزان نگرش به مشارکت با تمام ابعاد حقوق شهروندی دارای رابطه مثبت و معنادار ($P < 0/001$) است. میزان همبستگی نگرش به عام‌گرایی با تمامی ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار ($P < 0/001$) است. همچنین متغیر حضور در عرصه اجتماعی با بعد آگاهی از حقوق اجتماعی شهروندی دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار است و رابطه آن با دیگر ابعاد غیرمعنادار است. میزان همبستگی حضور در تشکل‌های سیاسی با میزان آگاهی از حقوق اجتماعی شهروندی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد و رابطه آن با دیگر ابعاد غیرمعنادار است.

در بعد آگاهی از وظایف شهروندی با افزایش حضور در عرصه اجتماعی میزان آگاهی از وظایف شهروندی نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر این دو متغیر دارای مثبت و معنادار در سطح ($P < 0/001$) است. همچنین متغیر نگرش به مشارکت اجتماعی با تمامی ابعاد آگاهی از وظایف شهروندی دارای رابطه مثبت و معنادار ($P < 0/001$) است. با افزایش نگرش مثبت به عام‌گرایی میزان آگاهی از وظایف شهروندی و ابعاد آن نیز افزایش می‌یابد. این متغیر با تمامی ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح ($P < 0/001$) است. همچنین متغیر طبقه اجتماعی دارای رابطه مثبت و معنادار ($P < 0/005$) با آگاهی از وظایف شهروندی است. به عبارت دیگر هرچه قدر طبقه افراد در جامعه بالاتر باشد میزان آگاهی آنها از وظایف شهروندی بیشتر است.

در بررسی رگرسیون چندمتغیره، بعد از تحلیل عوامل متغیرهای مستقل آنها را در سه بعد اساسی مورد بررسی قرار دادیم. از میان عوامل موثر بر آگاهی از حقوق شهروندی، بالاترین میزان بتا مربوط به نگرش به عام‌گرایی است ($B=0.56$). بعد از این متغیر، میزان نگرش به عام‌گرایی باضریب بتای ۰/۱۹ دارای بیشترین تاثیر در میزان آگاهی حقوق شهروندی است. در حقیقت هرچقدر میزان نگرش به عام‌گرایی مثبت‌تر باشد و از طرفی نوع نگاه به مشارکت مساعدتر باشد، امکان اینکه میزان آگاهی نسبت به حقوق شهروندی بالاتر برود بیشتر خواهد بود. در بررسی تاثیر حضور در عرصه اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه‌ای منفی ولی غیرمعنادار به دست آمد.

تحلیل چند متغیری از حقوق شهروندی

متغیر	ضریب beta	آزمون T	معناداری
نگرش به مشارکت	۰/۱۹	۳/۴۳	۰/۰۰۱
نگرش به عام‌گرایی	۰/۵۶	۱۰/۶۰	۰/۰۰۰
حضور در عرصه اجتماعی	۰/۰۲	-۰/۶۳۵	۰/۵۲۵

$R^2 = 0.38$

در بررسی ابعاد مختلف آگاهی از وظایف شهروندی، متغیر نگرش به عام‌گرایی دارای بالاترین میزان بتا (۰/۶۴) است که از میان عوامل، بیشترین تاثیر را به خود اختصاص داده است. متغیر نگرش مثبت به مشارکت دارای رابطه مثبت و معنادار با میزان آگاهی از وظایف شهروندی است. ضریب بتای ۰/۱۳ بیانگر مقدار تاثیر این متغیر در آگاهی از حقوق شهروندی است. همچنین با افزایش حضور در عرصه اجتماعی، میزان آگاهی از وظایف شهروندی نیز افزایش می‌یابد. رابطه این متغیر با آگاهی از آگاهی شهروندی با ضریب بتای ۰/۱۰ مثبت و معنادار است. میزان $R^2=0.48$ بیانگر مقدار تبیینی است که متغیرهای مستقل از میزان آگاهی از حقوق شهروندی به دست می‌دهند.

تحلیل چند متغیری از وظایف شهروندی

متغیر	ضریب beta	آزمون T	معناداری
نگرش به مشارکت	۰/۱۳	۲/۴۹	۰/۰۱۳
نگرش به عام‌گرایی	۰/۶۴	۱۲/۸۶	۰/۰۰۰
حضور در عرصه اجتماعی	۰/۱۰	۲/۴۱	۰/۰۱۷

$R^2=0.48$

نتیجه‌گیری

اندیشه اصلی در این بررسی بر این فرض استوار است که آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی، مبنای عمل و تحقق واقعی آن است. بنابراین بررسی و ارائه راهکارهایی در جهت ایجاد و افزایش این آگاهی از مهم‌ترین نکاتی است که می‌تواند در حیطة برنامه‌ریزی هر دولت قرار بگیرد.

این حقوق و تکالیف را می‌توان در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعدسازی و شناسایی کرد. نکته مهم در بحث شهروندی و بنیاد اصلی آن - حقوق و وظایف - این است که هر قدر قدرت قانون بیشتر و اجرای آن درست و سریع باشد به همان اندازه افراد خود را متعهد و در برابر قانون و جامعه مسئول می‌شناسند و در انجام وظایف و مشارکت در امور مختلف تلاش می‌کنند. اما ایجاد آگاهی و در نتیجه وصول و تحقق شهروندی کامل نیازمند عوامل دیگری است: برای افزایش میزان آگاهی و در پی آن تحقق شهروندی، فراهم آوردن بستری مناسب برای مشارکت و فعالیت داوطلبانه افراد در امور مختلف، ضروری به نظر می‌رسد. در واقع درونی شدن ارزش‌هایی چون مشارکت که محور شهروندی هستند، نیازمند زمینه‌ها و فرصت‌هایی مناسب می‌باشد.

مشارکت متضمن وجود اعتماد و وفاق است و این دو نیز به امنیت واقعی در جامعه نیازمندند. همچنین تشویق و ترغیب مردم در جهت رشد نهادها و تشکلهای مدنی از جمله شرایط و بسترهای مناسب است. در واقع با ترغیب مردم به داوطلبانه کارکردن و با تقویت و بالابردن سطح فرهنگ مشارکت افراد، شاهد بالارفتن آستانه تحمل مردم، ایجاد مهارت‌مدارا، همکاری، مدیریت تضادها، رفع تنش‌ها، افزایش انسجام اجتماعی و همبستگی و در نتیجه تحقق شهروندی و در نهایت توسعه جامعه خواهیم بود. همان‌طور که تئوری‌ها و یافته‌ها نشان داد، افزایش آگاهی نسبت به حقوق و وظایف شهروندی و تحقق آن

نیازمند تحول در نگرش‌های افراد جامعه نیز است. از طرفی، آگاهی یافتن از حقوق شهروندی و عدم تحقق آن در عمل بر روی انسجام اجتماعی تأثیری مخرب خواهد داشت و باعث افزایش تنش اجتماعی می‌شود. پارسونز معتقد بود برای دستیابی به هویت عام شهروندی، باید هنجارهای عام را در قالب فعال‌گرایی و عام‌گرایی و ... گسترش داد. بنابراین شهروندی در جامعه‌ای به منصفه ظهور می‌رسد که افراد آن دارای نگرش عام‌گرایانه باشند. شهروندی محصول جامعه‌ای است که هویت و جایگاه افراد در سلسله مراتب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی براساس ارزش‌ها و معیارهای عام و شایسته‌سالاری باشد نه ویژگی‌های قومی، طایفه‌ای و مذهبی یا جنسی. همچنین شهروندی در جامعه‌ای به وجود می‌آید که افراد آن به مشارکت، نظری مثبت داشته باشند. نگرش مثبت می‌تواند مشارکت واقعی را نیز در پی داشته باشد. البته باید توجه داشت که این حضور ممکن است به صورت توده‌وار باشد، در آن صورت نباید انتظار داشت که حضور در عرصه‌ها به تنهایی بتواند موجب افزایش آگاهی شهروندی شود.

برای رسیدن به چنین نگرش‌ها و مشارکت‌هایی، نیاز به فرهنگ سازی متناسب با آن است و این خود، با نفوذ در افکار مردم از طریق آموزش، برنامه‌ریزی منسجم و کارا، سرمایه‌گذاری برای تبلیغ در رسانه‌های عمومی چون تلویزیون و رادیو و مطبوعات میسر خواهد شد.

بر اساس بحث ارائه شده فوق راهبردهای زیر مطرح می‌شود:

- ۱- آموزش شهروندی به عنوان یکی از دروس پایه در مقاطع مختلف تحصیلی.
- ۲- ارتقاء سطح آگاهی عمومی در زمینه شهروندی با استفاده از رسانه‌های جمعی.
- ۳- ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و انجمن‌های مشارکتی و اخلاق جمعی عام.
- ۴- بسط آزادی و مردم سالاری و جلب مشارکت جمعی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ملی.
- ۶- بسط عدالت توزیعی و رفع تبعیض‌ها از طریق تخصیص بهینه منابع ارزشمند.
- ۷- حرکت در جهت رفع تبعیض‌های جنسی، قومی، مذهبی و کسترش اصل گفتگو بین تمام اقوام.

منابع

- پاتریک، تونی فیتز، نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست) ترجمه: هرمز همایون پور، تهران، نشر گام نو، ۱۳۸۱.
- پیران، پرویز، شهروندی؛ از حقوق تا مسئولیت، نامه، شماره ۵۳، شهریور، ۱۳۸۵.
- پیران، پرویز، فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۴.
- توسلی، غلامعباس و محمود نجاتی حسینی. واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ۱۳۸۳.
- شیانی، ملیحه، تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، پاییز، ۱۳۸۱.
- صرافی، مظفر و مجید عبدالهی، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار، ۱۳۸۷.
- عظیمی هاشمی، مژگان، عوامل موثر بر عام‌گرایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳.
- فالکس، کیت، شهروندی، محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارت کویر، ۱۳۸۱.
- کیویستو، پیتر، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری: تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ هفتم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- لطف آبادی، حسین، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت. نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، بهار، ۱۳۸۵.
- نجاتی حسینی، محمود، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۰.
- هابرماس، یورگن، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه: جمال محمدی، تهران: نشر افکار، ۱۳۸۱.

- Abowitz Kathleen & Jason Harnish, (2006). Contemporary Discourses of Citizenship, Review of Educational Research, Vol. 76, No. 4, 653-690
- Frey .S, Bruno, (2003). Flexible Citizenship for a Global Society Politics, Philosophy & Economics, Vol. 2, No. 1, 93-114
- Hussain Y and Bagguley P, (2005). Citizenship, Ethnicity and Identity, SAGE Publications
- Kisby Ben, (2009), Social capital and citizenship lessons in England, Education, Citizenship and Social Justice, Vol. 4, No. 1, 41-62.
- Miller D (1995). Citizenship and pluralism, Political studies, Vol 43.
- Miller D (1999). Bounded Citizenship, in Kimberly Hutchigs(ed), London, Macmillan press.
- Miller D (2004), Immigrants, Nations, and Citizenship, Paper presented to the CRASSH conference on Migrants, Nations, and Citizenship, New Hall, Cambridge
- Monro Surya and Warren Lorna, (2004). Transgendering Citizenship, SAGE Publications.
- Munck Ronaldo. Civic Engagement and Global Citizenship in a University Context, Arts and Humanities in Higher Education, Vol. 9, No. 1, 31-41 (2010)
- Nash Kate, (2009), Between Citizenship and Human Rights, Sociology, Vol. 43, No. 6, 1067-1083.
- Ong A, (2006). Mutations in Citizenship, SAGE Publications.
- Painter Joe. (2008), European Citizenship and the Regions, European Urban and Regional Studies, Vol. 15, No. 1, 5-19.

- Richardson Diane (2000). Claiming Citizenship? Sexuality, Citizenship and Lesbian/Feminist Theory, SAGE Publications
- Barbalet J M (1988). Citizenship, university of Minnesota press.
- Barbalet J M (1994). Citizenship Right, in Citizenship Right. Critical concepts (vol.1) By Bryan. S Turner and peter Hamilton,) New York: Rutledge.
- Bonnie F. Daily, (2009). A Conceptual Model for Organizational Citizenship Behavior Directed Toward the Environment, Business & Society, Vol. 48, No. 2, 243-256.
- Citizenship. Londen: Rutledge
- Gunestern R H (1998). A Theory of Citizenship, organizing plurality in contemporary democracies, westview press.
- Oldfield A (1990). Citizenship and Community, Civic Republicanism and Modern Word. London: Rutledge.
- Tan Charlene, (2007). Islam and citizenship education in Singapore, Education, Citizenship and Social Justice, Vol. 2, No. 1, 23-39.
- Turner Bryan, (1999). Citizenship (critical concepts) New York: Routledge

